

# گفتار مقدم بر نوشتار

نگاهی به ضرورت توجه به وجه شفاهی زبان فارسی در مناطق دوزبانه

فریده عصاره

اشاره

زبان دو وجه شفاهی و کتبی دارد. اگرچه تسلط بر هر دو وجه آن، نشانگر زبان دانی است، ولی بهتر است ابتدا به آموزش وجه شفاهی آن پرداخته شود، زیرا این وجه بر وجه کتبی مقدم است. در این مقاله تلاشی شده است، دلایل این تقدم و ضرورت اهمیت آن در آموزش کودکان مناطق دوزبانه، بیان شود.

## سرآغاز

زبان به عنوان ابزاری ارتباطی که برای مرادفات رسمی و غیررسمی در میان مردم به کار می‌رود، چه در قالب گفت‌وگوی روزمره و مکالمات تلفنی، و چه در سخن‌رانی‌های علمی و یا از طریق ارتباطات رسانه‌ای از قبیل کتاب، مجله و غیره، به دو صورت جلوه می‌نماید؛ یکی صورت گفتاری است و دیگری نوشتاری. در صد بالایی از ارتباطات مردم به صورت شفاهی، از طریق گوش دادن به رادیو، تلویزیون، صحبت‌های اطرافیان و یا سخن گفتن با دیگران صورت می‌گیرد. معمولاً برای رفع نیازهای زندگی روزمره در میان افراد خانواده، خویشان، دوستان، همسایگان، هم‌سالان و هم‌کلاسان که بیشتر جنبه‌ی غیررسمی دارد، گفتار کاربرد بیشتری دارد. گونه‌های گفتاری و نوشتاری زبان، ویژگی‌های خاص خود را دارند. در زبان فارسی این دو گونه در سطح آوایی، واژگانی و نحوی، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

## چه چیز مقدم است؟

زبان‌آموزی چهار وجه دارد: گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن. در فرایند زبان‌آموزی، دو وجه اول که زبان شفاهی را تشکیل می‌دهند، بر دو وجه کتبی آن یعنی خواندن و نوشتن مقدم هستند. تمام کودکان در جریان رشد طبیعی خود، زبان شفاهی را در قالب دو مهارت گوش دادن و سخن گفتن در شهر و دیار و محلی که زندگی می‌کنند، فرامی‌گیرند. آن‌ها آواها، واژه‌ها، ساختارها و الگوهای دستوری زبان را از اطرافیان می‌شنوند و با الگوها و نمونه‌های زبانی که به طور فطری در ذهن دارند، تطبیق می‌دهند. هم‌زمان با شنیدن زبان، رفتارهای اطرافیان را که برایش معنادار است نیز مشاهده می‌کنند و بر اثر ارتباطی که بین شنیده‌ها و دیده‌ها برقرار می‌کنند، هم صورت زبان را که حاوی آواها، واژه‌ها، ساختارها و الگوهای

دستوری است و هم معنای زبان را دریافت می‌کنند. آن‌ها در روند رشد خود، آن‌چه را که دریافت و در ذهن خود پردازش کرده‌اند؛ (معمولاً برای هر کودکی شخصی و منحصر به فرد است)، به منظور برقراری ارتباط با اطرافیان، در سخن گفتن استفاده می‌کنند.

به طور کلی، تافرادی آواها، واژه‌ها، ساختارها و الگوهای دستوری زبان را نشنود، به تکیه‌ی واژه‌ها در جمله‌ها دقیق نشود و لحن و آهنگ جمله‌ها به تکرار به گوشش نرسد، ساختار آن‌ها و نحوه‌ی تلفظشان در ذهنش شکل نمی‌گیرد، بین آواهای زبان تفاوت نمی‌بیند، بین آهنگ جمله‌ها، تکیه‌ی کلمه‌ها و مکث‌های گفتار تمیز قائل نمی‌شود، به نحوه‌ی چینش آواها در هر کلمه و نحوه‌ی هم‌نشینی کلمه‌ها در جمله‌ها واقف نمی‌شود و به طور کلی، ساختمان آن زبان در ذهنش شکل نمی‌گیرد.

دانش زبانی، از طریق گوش دادن به نظام یک زبان، در ذهن ایجاد می‌شود. سخن گفتن هم با وجود دارابودن چنین دانشی است که به‌وقوع می‌پیوندد. همان‌طور که دانش موجود در ذهن، به سخن گفتن کمک می‌کند، برای خواندن و نوشتن نیز چنین ضروری است. زمانی که کودک رویدادها و مضمون یک قصه را متوجه شود و بتواند درباره‌ی آن سخن بگوید، به پرسش‌های مربی خود پاسخ دهد، رویدادی به آن اضافه و یا کم کند، نظر و احساسش را درباره‌ی آن بیان کند، خود را به جای قهرمان داستان قرار دهد و با او همدلی کند، در شادی‌های او خوش‌حال شود و با اندوه‌های او اندوهناک، هنگامی است که دانش زبانی درباره‌ی زبان آن قصه در ذهنش موجود باشد. متن قصه‌ای را که مربی می‌خواند و او می‌شنود، بفهمد، و احساس و عواطف نهفته در آن را حس و لمس کند. کودک برای گوش دادن به برنامه‌ی رادیو یا دیدن برنامه‌های تلویزیون اعم از برنامه‌های کودک و غیره، نیازمند فهم زبان فارسی است.

کودکی که در دوره‌ی پیش‌دبستان بر مهارت‌های شفاهی زبان مسلط

شده است، در دوره‌ی ابتدایی پذیرش بیشتری برای برنامه‌های مدرسه دارد. به طوری که برای تعلیم حروف الفبا که آغاز خواندن و نوشتن در مدرسه است، باید توضیحات فارسی معلم درباره‌ی صدای هر کدام از حروف را بفهمد. نحوه‌ی نوشتن حروف و مقایسه‌ی هر کدام با یکدیگر هم، نیازمند فهمیدن این زبان است. به علاوه، لازم است کودک توان توضیح درباره‌ی آن‌ها را با آن زبان نیز داشته باشد. بعد از شناخت حروف، کسی به درک و فهم کلمه‌ها و جمله‌های خوانده شده در یک متن نائل می‌شود که دانشی از پیش در ذهنش موجود باشد.

در دوره‌ی ابتدایی، هنگام به بارنشستن حروف الفبا و آماده شدن کودک برای خواندن نوشته، زمانی پیام اصلی و منظور اساسی نوشته دستگیرش می‌شود که درباره‌ی موضوع آن، قدری دانش و اطلاعات داشته باشد. زیرا لازمه‌ی فهمیدن معانی نهفته در متن، برقراری پیوند بین معنی درون متن با دانسته‌های پیشین شخص است. اگرچه دانش و اطلاعات فراوانی نیز از طریق خواندن به دست می‌آورد که این دانش اکتسابی، به درک و فهم دیگر متن‌های خواندنی کمک شایانی می‌کند.

فردی که می‌خواهد اندیشه‌ها و منویاتش را روی کاغذ بیاورد، نه تنها لازم است دانش و اطلاعاتی در ذهن داشته باشد، بلکه آن دانش باید به زبانی باشد که می‌خواهد درباره‌ی آن بنویسد. معمولاً نوشتن انشا برای فردی که اطلاعات بیشتری نسبت به موضوع دارد و آن اطلاعات در ذهنش منظم و طبقه‌بندی شده و بسط و گسترش نیز یافته راحت‌تر است. حال چنان چه قبل از نوشتن درباره‌ی آن صحبت کند و اندیشه‌هایش را به‌طور شفاهی بازگوید، فکرش بهتر سامان می‌یابد و نوشتن برایش سهل‌تر می‌شود.

وقتی معلم در پایه‌ی اول چگونگی دسته‌بندی اشکال را در ریاضی توضیح می‌دهد و یا از دانش‌آموزان می‌خواهد دو عدد یک رقمی را با هم جمع کنند، یا درباره‌ی هشت گنجشک که سه‌تای آن‌ها از روی درخت پریده، و در حال حاضر فقط پنج گنجشک باقی مانده‌اند، توضیح می‌خواهد. یا در گروه‌هایی که تشکیل داده‌اند تا با همیاری و تشریک مساعی یکدیگر دستورالعمل‌هایی را انجام دهند، مثلاً برگ‌هایی را که جمع‌آوری کرده‌اند، به دقت مشاهده و آن‌ها را براساس ویژگی‌های مشترکشان طبقه‌بندی کنند. وقتی می‌خواهد قاعده و ضابطه‌ای را که همه ملزم به اجرای آن هستند، بیان کنند. همه و همه با زبان شفاهی انجام می‌شود. منطقاً این زبان ارائه، فارسی است.

پس لازم است کودکان مناطق دوزبانه یا به عبارتی کودکانی که در خانه آشنایی لازم را نسبت به زبان فارسی کسب نکرده و با والدین و اطرافیان به این زبان صحبت نکرده‌اند، در دوره‌ی پیش‌دبستانی بیشتر در معرض وجه شفاهی زبان فارسی قرار گیرند. گوش آن‌ها از شنیدن این زبان مستغنی شود و با آن تکلم کنند تا مریی با سهولت بیشتری با کودکان ارتباط برقرار کند، و پیام‌ها و پیغام‌هایش زودتر و بهتر به کودک انتقال داده شود. چنین کودکی دستورالعمل‌ها، توضیحات و گفته‌های مریی را با گوش‌جان می‌گیرد، به خاطر می‌سپارد و به درستی در ذهن پردازش می‌کند.

بدیهی است که چنین دانش‌آموزانی در دوره‌ی ابتدایی، توضیحات و

گفته‌های معلم را به هنگام تدریس فارسی و ریاضی، علوم و امور عمومی می‌فهمند. به پرسش‌های درسی و غیر درسی معلم بهتر پاسخ می‌دهند و منظور معلم را دربرآوردن انتظاراتش بیشتر متوجه می‌شوند. اساساً زبان شفاهی در فرایند یاددهی یادگیری، کاربرد بسیار گسترده‌تری نسبت به زبان نوشتار دارد.

در روش‌های فعال یادگیری که دانش‌آموزان مشارکت بیشتری دارند، در جریان آموزش، مدام یا در حال دریافت زبان فارسی از سوی معلم و هم‌کلاسان به‌واسطه‌ی گوش دادن هستند یا در حال تولید آن به هنگام پاسخ‌گویی به سؤالات و یا توضیح دادن و سخن گفتن.

بر این اساس لازم است در مناطق دوزبانه، در طول یک سال تحصیلی پیش‌دبستان، فرصت کافی برای گفت‌وگو و نوشتن در اختیار کودکان قرار داده شود. بنابراین، خواندن نمادهای زبانی، چه در قالب نشانه‌ها و چه حروف الفبا و یا کلمه و جمله، برای چنین کودکانی که هنوز تسلط لازم را بر مهارت‌های شفاهی زبان فارسی به دست نیاورده‌اند، زود است. پرداختن به امور خواندن قبل از کسب مهارت‌های گوش دادن و صحبت کردن، نه تنها فرصت کسب مهارت‌های شفاهی زبان فارسی را از کودکان سلب می‌کند، بلکه باعث می‌شود امر خواندن نیز با کفایت و شایستگی لازم به وقوع نپیوندد. از این گذشته، نقشه‌ی رشدی که خداوند درباره‌ی چهار وجه زبان در فطرت کودک نهاده است، این گونه نیست که کودک ابتدا خواندن را یاد بگیرد و بعد حرف زد را.

\* بسیاری از زبان‌شناسان صورت شفاهی زبان را شکل کامل زبان می‌دانند و صورت نوشتاری را نوعی بازنویسی ناقص و ناتمام از صورت شفاهی زبان. پلیتزر معتقد است، در برنامه‌ی درسی زبان دوم، مواد آموزشی ابتدا باید به شکل گفتار عرضه شوند و پس از تسلط زبان‌آموزان بر زبان گفتاری، شکل نوشتاری آن ارائه شود. فرگوسن و یونگ بر این نظرند، چنانچه در مراحل اولیه‌ی آموزش، نوشتار ارائه شود، امکان تداخل زبان مادری در زبان دوم زیاد است.

\* \* \*

دانستن و به‌کارگیری دو زبان فضیلت و برتری‌هایی را برای فرد در پی دارد، از جمله این که موجب توانمندی‌های ذهنی و شناختی فرد می‌شود. فردی که بر دو زبان مسلط است، نسبت به شخص یک زبانه از قابلیت‌های ذهنی، اعتبار و ارزش اجتماعی بیشتری برخوردار است. برای دو زبانه شدن، از یک سو لازم است، کودک ابتدا به شکل گفتاری و صورت شفاهی زبان فارسی مسلط شود و از سوی دیگر کودک به طور فطری و مادرزادی تا سن ۶ سالگی دارای دستگاه فراگیری زبان است که نقش به‌سزایی در آموزش زبان دارد. هر کدام از گویش‌های محلی، میراث ارزشمند فرهنگی کشورمان محسوب می‌شود، بر این اساس کودکان می‌توانند، ضمن حفظ گویش محلی خود، در کنار آن زبان فارسی را همانند کودکانی که در مناطق فارس زبان زندگی می‌کنند، یاد بگیرند.

#### منابع

۱. الس، نتوان. زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه‌ی محمود الیاسی. ۱۳۷۲.
۲. عصاره، فریده. مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان. نشریه‌ی نگاه. ۱۳۸۲.